



حضرت آدم (ع) و حوا (س)،  
قصص الانبیاء، مأخذ:  
Stories of the Prophets



# جایگاه معانی و قصص قرآنی در نگارگری ایران بین سده های ۸ تا ۱۱ هجری

هادی بابائی فلاح \* محمد علی رجبی \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۸

## چکیده

حرمت و جایگاه قرآن کریم در قلوب مسلمانان، باعث شده تا هیچ گاه این کتاب مقدس به طور مستقل مورد تصویرسازی قرار نگیرد. اما تشنگی و اشتیاق ادیبان عاشق نسبت به قرآن کریم باعث شکل گیری متون ادبی متأثر از قرآن کریم شده است. این متون در کنار برخی از کتاب های تاریخی و دانشنامه ها واسطه ای برای ارائه معانی و قصص قرآنی در نگارگری ایران بین سده های ۸ تا ۱۱ هجری قمری شده اند. این موضوع از طریق تصویرسازی متن های ادبی متأثر از قرآن کریم روی داده است. مقاله پیش رو با بررسی جایگاه چنین نگاره هایی در نگارگری ایران، وارد مطالعه تطبیقی نگاره ها، متون ادبی و قرآن کریم شده است. به این ترتیب با روش توصیفی و تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و مشاهده ای، ظرفیت های نگارگری کشورمان را در ارائه معانی قرآنی به بوته نقد و بررسی گذاشته و جایگاه ادبیات (شعر و نثر) را در شکل گیری چنین نگاره هایی مورد بررسی قرار داده است. از دستاوردها و یافته های مهم این تحقیق که می تواند ظرفیت سازی ویژه ای را در آگاه سازی هنرمندان معاصر کشورمان برعهده داشته باشد، کشف جایگاه مهم و اساسی ادبیات فارسی در شکل گیری نگاره های مرتبط با قرآن کریم است. این مسئله از طریق مراجعه به نمونه های شاخص و تدوین یک دسته بندی کلی درباره آن ها به دست آمده است.

## واژگان کلیدی

قرآن کریم، هنر اسلامی، هنر ایران، نگارگری، ادبیات فارسی.

Email: Hadiran\_b2009@yahoo.com

Email: M.A-Rajabi@yahoo.com

\*کارشناس ارشد صنایع دستی، دانشگاه سوره، شهر تهران، استان تهران

\*\*عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

## مقدمه

هدف از این تحقیق، بررسی جایگاه معانی و قصص قرآنی در طول سه سده از نگارگری ایران است. پیداست که به دلیل عدم تصویرگری قرآن کریم، کتاب های تاریخی و ادبی نقش متون واسطه را در شکل گیری نگاره های مرتبط با قرآن کریم برعهده داشته اند. قصص انبیاء، فالنامه ها و کتاب های تاریخی بر داستان ها و قصص قرآنی توجه داشته اند، اما بخش مهم تر این کتاب ها یعنی متون ادبی و عرفانی بر معانی درونی قرآن کریم تاکید دارند.

لذا سؤال اصلی این تحقیق درک چگونگی تدوین جایگاه معانی و قصص قرآن کریم در نگارگری ایران بین سده های ۸ تا ۱۱ هجری قمری و همچنین چگونگی تاثیرپذیری نگاره ها از متون ادبی بوده است. پرسشی که نیازمند مراجعه به متون معتبر در تاریخ ادبیات ایران است؛ زیرا بخش هایی از کتاب های مهمی مانند گلستان و بوستان سعدی، هفت اورنگ جامی، خمسه نظامی و حتی شاهنامه فردوسی با دستاویز قرار دادن نکات تمثیلی از قرآن کریم باعث خلق نگاره هایی با معانی ظریف قرآنی شده اند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی بوده است و برای بررسی آن حدود ۲۰ متن ادبی و تاریخی و نزدیک به ۲۰۰ نسخه مصور شامل مهم ترین نسخه ها از شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی، هفت اورنگ جامی و غیره مورد مشاهده و مطالعه کتابخانه ای قرار گرفته است. این مشاهدات، با مقایسه و تطبیق متن و نگاره ها با آیات قرآن کریم و همچنین با توصیف و تحلیل آن ها به ارائه دسته بندی هایی برای نگاره های مرتبط با قرآن کریم منتهی شده است.

## ادبیات فارسی واسطه ای بین قرآن کریم و نگارگری ایران

انطباق کامل تعالیم و معارف قرآن کریم با فطرت آدمیان و به طور خاص وجود فرهنگ کهن توحیدی در بین ایرانیان، باعث به وجود آمدن اشتراکات زیادی بین متون ادبی و معارف قرآن کریم شده است. آثار ادبی شکل گرفته توسط بزرگان ادبیات فارسی با زبانی متناسب با روزگار و شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره و در لایه های معرفتی مختلف، دست به دعوت مخاطبان به سوی حضرت حق زده است.

جست و جوی لایه های پنهان قرآن کریم در آثار این ادیبان، از طریق انس مخاطب با قرآن کریم میسر بوده و از این طریق راز عشق و علاقه این بزرگان به حضرت حق برملا می شود. عدم تصویرگری قرآن کریم و اشتیاق نگارگران خداجو به وارد کردن نکات معرفتی در آثارشان باعث مراجعه آن ها به متون ادبی شاخص، به عنوان واسطه های بین معارف قرآن کریم و آثار نگارگری شده است. این اتفاق نه توسط همه هنرمندان نگارگر، بلکه در

آرمانی ترین شکل خود توسط بعضی از نگارگران نخبه به وقوع پیوسته است.

شناسایی نمونه های شاخص از این آثار، الگویی مناسب برای مطالعه نگاره های مرتبط با قرآن کریم به شمار می آید. در این میان آثاری مانند کتاب های تاریخی، فالنامه ها و قصص انبیاء، به دلیل بازگویی روایت مشخصی از یک داستان، که قرآن کریم نیز به آن ها اشاره کرده، فضای کافی برای ابراز خلاقیت نویسنده رادر خود نداشته است. ولی در مقابل، کتاب های ادبی و عرفانی که نکته ای خاص از معانی قرآن کریم را دستمایه شکل گیری حکایت و داستانی جدید قرار داده اند، بستر مناسب تری را برای ابراز خلاقیت هنرمندان نگارگر فراهم آورده اند.

«قصه های قرآن فقط به منظور اطلاع یابی از احوال پیشینیان یا انبیاء گذشته بدون اهداف پرورشی یا اجتماعی نیست. قرآن کریم همواره از دو روش استدلالی برای تربیت انسان ها استفاده می کند، یکی روش سیر در محیط و طبیعت پیرامون و دیگری استفاده از تاریخ در قالب قصه های گنجانده شده است.» (فتاحی ثانی سبزواری، پور رضائیان، ۱۳۸۸، ۶) جایگاه معانی و قصص قرآن کریم در نگارگری ایران رامی توان در دسته های زیر مطالعه و بررسی کرد:

### ۱- نگاره های کاملاً منطبق با قصص قرآن کریم

در اولین گروه از آثار مرتبط با قرآن کریم، بخشی از یک قصه قرآنی به نگاره تبدیل شده است. در بسیاری از این نگاره ها و متون واسطه بین آن ها و قرآن کریم هیچ گونه اشاره مستقیمی به آیات قرآنی نشده ولی در عین حال تعارض آشکاری نیز میان دو روایت مکتوب مشاهده نمی شود. برای ذکر مثال از این گونه آثار، نگاره ای با محوریت حضرت ابراهیم (ع) در یکی از قدیمی ترین کتاب های مصور تاریخی یعنی؛ جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفته است:

این نگاره (تصویر ۱) بیـــــان گر ملاقات رسولانی (فرشتگان) از طرف خداوند، با حضرت ابراهیم (ع) است. مقایسه متن کتاب جامع التواریخ و نگاره شکل گرفته براساس آن، گویای انطباق کامل این دو روایت با آیات قرآن مجید است. در متن فارسی جامع التواریخ، درباره این ماجرامی خوانیم: «... حق تعالی سه ملائکه نزد ابراهیم فرستاد، و او ایشان را شبیه مردم می دید، و ابراهیم بر در خیمه به انتظار مهمان نشست. چون فرشتگان را نزد خود دید، به سبب ملاقات ایشان به شتاب برخاست و ایشان را به اعزاز و اکرام بنشانند و احضار سفره که تاکنون آن سنت او است به جای آورد، و او را چنان نمود که ایشان از آن طعام می خوردند. پس یکی از ایشان ابراهیم را بشارت داد و گفت: من بعد از انقضای یک سال کامل نزد تو معاودت کنم، و حق تعالی تو را از ساره پسری

۱- جامع التواریخ، از تالیفات خواجه رشید الدین فضل الله همدانی وزیر دربار غازان خان و اولجایتو است که نگاره های مهم و ارزشمندی از تاریخ انبیاء را در خود جای داده است. نسخه های پرشمار از این کتاب در منطقه ربع رشیدی (نزدیک تبریز) و در بین سال های ۷۰۶ تا ۷۱۴ ه.ق به وجود آمد، و دو نسخه مصور باقی مانده از آن، امروزه در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ و انجمن سلطنتی آسیایی (لندن) نگه داری می شود. نکته قابل ذکر این است که در زمان خواجه رشید الدین فضل الله و در منطقه ربع رشیدی از تالیفات خواجه دو نسخه به زبان های فارسی و عربی تهیه شده و به نقاط مختلف ارسال می شده است. نگاره شماره ۱، یکی از نسخ عربی جامع التواریخ بوده که با متن فارسی از همین مجموعه مطابقت داده شده و مورد بررسی قرار گرفته است. (کراپر، ۱۳۸۳، ۴۸)



تصویر ۱- ملاقات حضرت ابراهیم (ع) و رسولان الهی، جامع التواریخ رشید الدین فضل الله، تبریز، ۷۰۶ تا ۷۱۴ ه.ق، (محل نگه داری: انجمن سلطنتی آسیایی-لندن)

خواهد داد... و از حضرت ابراهیم بازگشتند، و او تشییع و تودیع را در عقب ایشان می شنافت تا آخر الامر بدانست که ایشان فرشتگانند، اما نمی دانست که سبب ارسال آن دو دیگر چیست، تا حق تعالی بر سبیل کشف و الهام فرمود که بدی اهل سدوم و ظلم و بیداد ایشان بسیار شد و در فسق و فجور به حدی رسیده اند که به یکبار مستحق هلاک و مستعد عذاب گشته اند. پس ابراهیم در حضرت باری شفاعت و تضرع را تقدیم نمود...» (رشیدالدین، ۱۳۸۶، ۳۲)

اما روایت قرآنی این داستان نیز چنین است:  
«و هم بندگانم را از حکایت (فرشتگان) میهمانان ابراهیم آگاه ساز.» (حجر، آیه ۵۱)

«و بگو که: چون آن میهمانان بر ابراهیم وارد شدند و به او سلام دادند، ابراهیم (مضطرب شده و) گفت: من از این که شما (بدون اذن و بی موقع) بر من در آمدید بیمناکم.» (حجر، آیه ۵۲)



تصویر ۲- حضرت آدم (ع) و حوا (س)، قصص الانبیاء، مأخذ: Stories of the Prophets

«و بگو که: چون آن میهمانان بر ابراهیم وارد شدند و به او سلام دادند، ابراهیم (مضطرب شده و) گفت: من از این که شما (بدون اذن و بی موقع) بر من در آمدید بیمناکم.» (حجر، آیه ۵۲)

«(فرشتگان) گفتند: هیچ مترس که ما آمده ایم تو را به فرزند دانا بشارت دهیم.» (حجر، آیه ۵۳)

«(ابراهیم) گفت: آیا مرا در این سن پیری مژده فرزند می دهید؟ نشانه این مژده چیست؟» (حجر، آیه ۵۴)

«گفتند: ما تو را به حق و حقیقت بشارت دادیم و تو هرگز از لطف خدا نومید مباش.» (حجر، آیه ۵۵)

«(ابراهیم) گفت: آری هرگز به جز مردم (نادان مادّی) گمراه، کسی از لطف خدا نومید نیست.» (حجر، آیه ۵۶)

«(آن گاه ابراهیم) پرسش کرد که: ای رسولان حق! بازگوئید بر چه کار مبعوث شده اید؟» (حجر، آیه ۵۷)

«(فرشتگان) پاسخ دادند که: ما را بر هلاک قومی زشت کار فرستاده اند.» (حجر، آیه ۵۸)

«(که آن قوم مجرم لوط اند که به جرم عمل بد هلاک شوند) مگر اهل بیت لوط (و خانواده نبوت) که آن ها را همه از بلا، نجات خواهیم داد.» (حجر، آیه ۵۹)

«جز زن لوط که آن هم (چون بابدان هم دست است) چنین مقرر داشتیم که با زشت کاران هلاک شود.» (حجر، آیه ۶۰)

۱- موضوع کتاب آثار الباقیه، که نوشته دانشمند بزرگ دوره اسلامی ایران، یعنی ابوریحان بیرونی است، گفت و گو درباره مناسبت های مهم در بین ملل و مذاهب و بیان روزهای تاریخی آنان است، و به طور کلی کتابی علمی و تاریخی محسوب می شود.



تصویر ۳- کشته شدن شیفته به دست کیخسرو، شاهنامه فردوسی (نسخه طهماسبی)، تبریز، ۹۲۸ تا ۹۴۷ ه.ق، محل نگه داری: موزه هنرهای معاصرتهران

بی نیاز بودند و هرگز غمی در دل نداشتند، تا آن که اهرمن به صورت پیرمردی به آنان ظاهر گشت و گفت میوه های درختان را بخورید و خود نیز شروع به خوردن کرد و نیز شرابی برای ایشان تهیه کرد و میشی و میشانه آن را نیز آشامیدند و از آن روز به بلا و رنج افتادند و حرص در آن ها یافت شد...» (بیرونی، ۱۳۶۳، ۱۴۱)

آیات قرآنی قابل انطباق با این متن و تصویر ۲ به شرح زیر است:

«و گفتیم: ای آدم! تو با جفت خویش در بهشت جای گزین، و در آن جا از هر نعمت که بخواهید بی هیچ زحمت برخوردار شوید ولی به این درخت (گندم یا سیب) نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.» (بقره، آیه ۳۵)

«آن گاه گفتیم: ای آدم! محققا بدان که این شیطان با تو و جفت دشمن است (هشیار باش که) مبادا شما را از بهشت بیرون آرد و از آن پس به شقاوت و بدبختی گرفتار شوید.» (طه، آیه ۱۱۷)

«همانا برای تو در بهشت هرگونه غذا و لباس مهیاست) نه هرگز آن جا گرسنه شوی و نه برهنه و عریان مانی.» (طه، آیه ۱۱۸)

و حوا یا به قول ایرانیان باستان، میشی و میشانه بوده است. (بیرونی، ۱۳۶۳، ۱۴۱) این نگاره در تبریز سال های ۷۰۵ تا ۷۰۷ ه.ق به وجود آمده و شیطان را در هیبت پیر مردی دارای ظاهر انسانی، در حال تعارف میوه به آدم و حوا نشان می دهد. روایت بیرونی در آثارالباقیه، به این صورت است:

«خداوند در امر اهرمن حیران شد و پیشانی او عرق کرد و آن عرق را مسح نمود و به کنار ریخت و کیومرث از این عرق جبین آفریده شد، سپس کیومرث را به سوی اهرمن فرستاد... در این جا درگیری هایی میان کیومرث و اهرمن شکل می گیرد... اهرمن را پسری بود به نام خزوره، این پسر به فکر کشتن کیومرث شد اما کیومرث او را بکشت، تا آن که اهرمن به خداوند شکایت از کیومرث نمود و برای حفظ عهدهی که میان خدا و اهرمن بود خواست که از کیومرث خونخواهی کند... و خدا کیومرث را بکشت و دو قطره از پشت او در کوه دامدان که در اصطخر است چکیده و از این دو قطره پشت کیومرث ریباس روئید و میشی و میشانه که به منزله آدم و حوا هستند از میان این دو بوته ریباس متولد شدند. این دو نفر از شراب و طعام



تصویر ۴- بخشی از تصویر ۳

«و نه هرگز در آن جا به تشنگی و به گرمای آفتاب آزار بینی». (طه، آیه ۱۱۹)

«باز (با این همه سفارش) شیطان در او وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا (میل داری) تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنیم؟ (آدم پرسید: آن کدام است؟ شیطان گفت: همان درختی که از آن ممنوع شدی، بخور تا عمر ابد یابی)». (طه، آیه ۱۲۰)

«آن گاه شیطان (آدم و حوا) هر دو را به وسوسه فریب داد تا زشتی های پوشیده آنان پدیدار شود، و به دروغ گفت: خدا شما را از این درخت نهی نکرد جز برای اینکه میباید دو فرشته شوید یا عمر جاودان یابید». (اعراف، آیه ۲۰) «و بر آن (گفته خود) سوگند یاد کرد که: من خیر خواه شما هستم شما را به خیر (و صلاح) دلالت می کنم». (اعراف، آیه ۲۱)

«پس آدم و حوا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول کردند، بدین جهت (لباس های بهشتی از تنشان دور و عیوب و) عورت آن ها در نظرشان پدیدار شد و خواستند تا به ساتری از برگ درختان بهشت، خود را بپوشانند و آدم نافرمانی خدای خود کرد و گمراه شد». (طه، آیه ۱۲۱)

### ۳- نگاره های دارای مکتوبات قرآنی در بخشی از تصویر

شاید در نگاه اول، نزدیک ترین موضوع برای مرتبط دانستن قرآن کریم و نگارگری، مشاهده مکتوبات قرآنی در گوشه ای از تصاویر نگارگری باشد. مکتوب شدن بعضی از آیات در نگاره ها، به عنوان بخشی از نوشته های روی یک اثر معماری، و بخش دیگری نیز شامل نوشته های روی بیرق ها و پرچم ها بوده است.

پس از مراجعه به متن های مرجع در شکل گیری این دسته از تصاویر، هیچ اشاره مستقیمی به آیات قرآنی مشاهده نخواهد شد، به همین دلیل گنجاندن کتیبه های قرآنی بر سردر منازل، دیوارها، و یا پرچم ها و کتیبه ها، تنها حاصل ابتکار و خلاقیت نگارگران تشخیص داده شده است.

در نمونه هایی که بیرق ها و پرچم ها محلی برای ثبت یک آیه و یا بخشی از یک آیه قرآنی قرار می گرفت، اغلب از آیه سیزدهم از سوره مبارکه صف استفاده شده است. نقش بستن این آیات قرآنی، بر روی بیرق سپاه ایرانیان، و پرچم پهلوانان و جوانمردانی بوده که عملکرد آن ها با احکام الهی مطابقت داشته و جزو نیروهای خیر محسوب می شده اند. یک نمونه شاخص برای معرفی این گونه آثار، داستان مهمی از شاهنامه فردوسی با محوریت کیخسرو است، که به نبرد تن به تن او با یکی از سرداران تورانی به نام شیده اشاره دارد. کیخسرو، سومین شاه از سلسله کیانی در شاهنامه فردوسی است که جد پدری او کیکاوس ایرانی و جد مادری او افراسیاب تورانی بوده است. پدر

کیخسرو (سیاوش) به طور ناجوانمردانه ای در غربت، به دست تورانیان به قتل می رسد. او وارث خلق نیکو و روحیات کمال یافته سیاوش است و در این نگاره، بر شیده (پسر افراسیاب تورانی) که فردوسی او را جادوگر معرفی کرده (فردوسی، ۱۳۸۷، ۷۶۰) غلبه پیدا کرده است. بر روی بیرق کیخسرو در این نگاره عبارت «نصر من الله و فتح

قرب» (صف، آیه ۱۳) نقش بسته است. (تصاویر ۳ و ۴)

«و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید، نصرت و یاری خدا (در جنگ) و فتح نزدیک (سپاه اسلام) و بشارت رحمت به اهل ایمان است». (صف، آیه ۱۳)

کیخسرو، در متون کهن، انسانی خردمند و دارای ویژگی های پیامبر گونه معرفی شده است. شاید همین ویژگی های شخصیتی کیخسرو همچون مجاهدت و توجه مداوم او به پروردگار در متون کهن، دلیل ثبت پرچمی با این عبارت برای او بوده باشد. به غیر از شاهنامه فردوسی، بازتاب نمادین شخصیت کیخسرو را در دیگر آثار ادبی ایران زمین نیز شاهد هستیم.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، نگاره ای از گلستان سعدی نیز، شاهدهی بر حضور پر رنگ آیات قرآن کریم بر دیوار فضاهای معماری در تصاویر نگارگری است. (تصویر ۵) در این نگاره، آیاتی از سوره جن به عنوان بخشی از فضای حاشیه معماری مسجد یا مدرسه ای که داستان در آن جریان دارد به چشم می خورد<sup>۲</sup> ترجمه این آیات قرآنی به شرح زیر است:

«و مساجد مخصوص خداست، پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید». (جن، آیه ۱۸)

«و چون بنده خاص خدا (محمد «ص») برای آن که خدا را بخواند، قیام کرد، طایفه جنیان (برای استماع قرآن چنان) گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فرو ریزند». (جن، آیه ۱۹)

«ای رسول! به خلق بگو: من خدای خود را به یگانگی می پرستم و هرگز احدی را با او شریک نمی گردانم». (جن، آیه ۲۰) «و باز بگو: من مالک و قادر بر خیر و شر ما

۱ «در کتاب حکمت الاشراف، اثر شیخ شهاب الدین سهروردی گفته شده که کیخسرو، پیش از آن که زرتشت پیدا شود، از این موهبت برخوردار شد که به سرچشمه نور و فره اهورائی، یعنی به خورنه که هم شکوه و افتخار و هم تقدیر موجودات نوری است، مستقیماً راه داشته باشد... کیخسرو اگر چه نمونه بارز پادشاه حکیم است، اما در پرتو دانشی که در وجود او بوده، والاگهترین نمونه عارفی است که کشف و شهود دارد و اشاره به جام جم که وی دارنده اش می شمرند از همین جا است...» (شایگان، ۱۳۷۳، ۳۱۴)

۲- مراجعه به این نگاره، صرفاً برای معرفی نگاره های دارای کتیبه معماری با متن قرآنی بوده و تحقیق بیش تر درباره دلایل وجود این آیات در نگاره ها، نیازمند مطالعات تخصصی دیگری می باشد. (معمولاً نگاره هایی که محل تدریس و کسب علم را با آیات مربوط به مساجد نشان می دهند، دارای مضامین عارفانه هستند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: رجبی، محمد علی، «جلوه های آیات و انکار در نگارگری اسلامی ایران»، کتاب ماه هنر، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۷۸

جایگاه معانی و قصص قرآنی در نگارگری ایران بین سده های ۸ تا ۱۱ هجری

۱- فردوسی، شاعر سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری قمری است که در خراسان دست به سرایش شاهنامه زده است. کتاب او در سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تدوین شده است. داستان های مربوط به اسکندر، در بخش تاریخی و پس از داستان دارای داراب و قبل از پادشاهی اشکانیان به نظم و اسکندرنامه، شاهزادهای دو رگه (ایرانی و رومی) است که مدتی طولانی را به جهانگیری گذرانده و قلمرو گستردهای را فرمانروایی می کند. ویژگی های اسکندر در این دو کتاب با حقیقت تاریخی و تفاوت های اساسی دارد. در بعضی از کتاب های تاریخی برخی دلایل لشکرکشی اسکندر به ایران موضوعاتی دنیوی مثل انتقام گرفتن از ایرانیان در ازای لشکرکشی خشایارشا به یونان و شهوت جهانگیری و خزان و سوسه انگیز طای ایرانیان عنوان شده است. (پیرنیا، ۱۳۸۲، ۱۱۶) به هر ترتیب، به دلیل حمله به ایران و منقرض کردن سلسله هخامنشی و تلاش در جهت ترویج فرهنگ غربی در ایران، اسکندر تاریخی وضعیت مناسب و آبرومندی در میان مردم کشورمان ندارد. در متون قدیمی از وی به عنوان «اسکندر گجسته» که لقبی توهین آمیز است یاد کرده اند. (گجسته به معنی ملعون، رجیم، مقابل خجسته و ... (دهخدا، ۱۳۳۵، ۱۰۶) برای اطلاع بیش تری می توان به کتاب «کارنامه ای به دروغ» نوشته پوران فرخزاد و کتاب «نگاشته های در باب فرهنگ، زبان و تاریخ ایران زمین» نوشته سیروس ایزدی مراجعه کرد.

۲- اسکندر نامه، یکی از پنج منظومه ای است که توسط نظامی گنجوی در سده ششم هجری سروده شده و خمسه او را تشکیل داده است: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندر نامه (شرف نامه، اقبال نامه). اسکندر نامه به طور کامل به قضایا و حکایت های اسکندر پرداخته است و لشکر کشی های او را در کنار اشاره به نکات حکمی تشریح می کند.



تصویر ۵- حکایت سعدی و جوان کاشغری، گلستان سعدی، هرات، ۸۹۱ ه.ق. (محل نگه داری نامشخص)

نیستم». (جن، آیه ۲۱)

#### ۴- وقوع داستانی قرآنی در یک نگاره توسط شخصیتی غیر قرآنی

در این گروه از نگاره ها، با وجود یک داستان قرآنی، شخصیتی کاملاً غیر قرآنی به عنوان عامل اصلی ماجرا معرفی شده است. یکی از مهم ترین نمونه ها برای معرفی این گونه تصاویر، ماجرای ساخته شدن سد در مقابل اقوام یاجوج و مأجوج است. قرآن کریم شخصیت اصلی این داستان را ذوالقرنین، و فردوسی و نظامی، اسکندر معرفی کرده اند. از این ماجرا، به دلیل اشاره فردوسی<sup>۱</sup> و نظامی<sup>۲</sup> در شاهنامه (فردوسی، ۱۳۸۷، ۱۱۵۹-۱۱۵۷) و اسکندرنامه (نظامی، ۱۳۸۷، ۱۱۳۹-۱۱۳۲)، تعداد زیادی تصویر در تاریخ نگارگری ایران به وجود آمده است. (تصویر ۶)

اما آیات قرآن کریم<sup>۳</sup> که در آن ها ذوالقرنین مامور ساخته شدن سد در مقابل اقوام یاجوج و مأجوج معرفی شده، به شرح زیر هستند:

«و از تو (ای رسول) سـؤال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که: من بزودی حکایت او را به شما تذکر خواهم داد». (کهف، آیه ۸۳)

«و ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم و از هر چیزی رشته ای به دست او دادیم». (کهف، آیه ۸۴)

«و هم از آن رشته و وسیله حق پیروی کرد (و موفقیت ها می یافت)». (کهف، آیه ۸۵)

«تا آن که به مشرق زمین رسید، آن جا قومی را یافت که ما میان آن ها و آفتاب ساتری قرار ندادیم (یعنی لباس و خیمه و مسکنی که از حرارت خورشید سایبان کنند، نداشتند)». (کهف، آیه ۹۰)

«همچنین بود و البته ما از احوال آن کاملاً باخبر بودیم». (کهف، آیه ۹۱)

«باز (از جنوب به سمت شمال) سفر را (ادامه داد و با وسائل) تعقیب می کرد». (کهف، آیه ۹۲)

«تا رسید میان دو سد، آن جا قومی را یافت که سخنی فهم نمی کردند (وسخت وحشی و زبان نفهم بودند)». (کهف، آیه ۹۳)

«آنان گفتند: ای ذوالقرنین! (بدان که قومی به نام یاجوج و مأجوج (پشت این کوه) فساد (و خونریزی و وحشی گری بسیار) می کنند، آیا چنان که ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آن ها می بندی؟ (که ما از شر آنان آسوده شویم؟)». (کهف، آیه ۹۴)

«ذوالقرنین گفت: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده از هزینه شما بهتر است اما شما با من به قوت بازو کمک کنید (مرد و کارگر از شما، وسایل و هزینه آن با من) تا سدی محکم برای شما بسازم که به کلی مانع دستبرد آن ها شود». (کهف، آیه ۹۵)

«و گفت: ( قطعات آهن بیاورید، آن گاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مسای دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس آتش افروخته تا آهن گداخته شود، آن گاه مس گداخته بر (خلل و فرج) آن آهن و سنگ ریختند». (کهف، آیه ۹۶)

«از آن پس آن قوم نه هرگز بر شکستن آن سد و نه بر بالای آن شدن و رخنه در آن، توانائی یافتند». (کهف، آیه ۹۷)

#### ۵- وقوع داستانی غیر قرآنی در یک نگاره توسط شخصیتی قرآنی

در این بخش از نگاره ها یک شخصیت شناخته شده قرآنی مشغول انجام کاری است که در قرآن کریم به آن هیچ اشاره ای نشده است. داستان این نگاره ها، ما به ازای قرآنی ندارند و حاصل ذوق و ابتکار ادیبان عارف محسوب می شوند. در نمونه ای از این آثار که از کتاب سلسله الذهب؛ اقتباس شده است، جامی با اشاره به چوپانی حضرت موسی (ع) در دوره جوانی، و نمونه ای از شفقت و ورزیدن ایشان نسبت به بره ای رمیده، خشنودی حضرت حق تعالی از این رحمت و شفقت را به نظم در آورده است. گویا این داستان به زمان خروج حضرت موسی (ع) از مصر و حضور در مداین و چوپانی نزد حضرت شعیب (ع) مربوط می شود و در بین آیات قرآنی مربوط به حضرت موسی (ع) به آن ها اشاره شده است.

وجود شخصیت های شناخته شده قرآنی و انجام عملی که علیرغم عدم اشاره به آن در قرآن کریم، ریشه در

ادامه از صفحه قبل:

۳- قرآن کریم با اشاره به اقوام یاجوج و ماجوج، شخصی به نام رامأمور مقابله با آنان معرفی می‌کند. همه شخصیت‌های تاریخی از جمله اسکندر مقدونی که احتمال انطباق آن‌ها با قرآنی وجود دارد، در تفسیر المیزان علامه طباطبایی مورد بحث قرار گرفته‌اند. استنباط نگارنده از شخصیت‌های مورد بحث در تفسیر المیزان (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۶، ۶۵۸ - ۶۶۸) این است که احتمال مطابقت داشتن شخصیت اسکندر با ذوالقرنین کاملاً مردود بوده است. (با این که درباره کوروش هخامنشی هم احتمال یکی بودن او با مطرح شده ولی درباره او بهتر است با احتیاط و مطالعه بیش تری اظهار نظر شود)

۴- هفت اورنگ اثر منظوم عبدالرحمن جامی در نیمه دوم سده نهم هجری به رشته تحریر در آمده، و شامل هفت مثنوی عرفانی به نام‌های سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفه الاحرار، سبحة الابرار، یوسف وزلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری است. مثنوی هفت اورنگ، مورد استقبال ویژه نگارگران قرار گرفته و نسخه‌های باشکوهی از آن تهیه شده است. سلسله الذهب درباره اصول و عقاید اسلامی و بعضی مسائل مرتبط با آن بحث می‌کند و به نظر می‌رسد که جامی آن را به نام سلطان حسین بایقرا منظوم ساخته باشد.



تصویر ۶- ساخته شدن سد در مقابل اقوام یاجوج و ماجوج، شاهنامه فردوسی، تبریز، ۷۳۰ ه.ق، (محل نگه‌داری: نامشخص)

شاید از قدر او بلند شود  
در جهان شاه ارجمند شود  
بر سر خلق سروریش دهند  
ره به کوی پیمبریش دهند  
همه در سایه اش بیاسایند  
سایه وش سر به پای او ساینند» (جامی، ۱۳۸۶، ۱۵)

#### ۶- ارائه معانی، واژگان و فرایض منطبق با فرهنگ قرآنی در یک اثر نگارگری

برخی از واژگان ذکر شده در قرآن مجید مانند نماز، جهاد، حج، امر به معروف و نهی از منکر، شهادت، دوزخ و غیره که به امور دنیوی و اخروی، معانی، مفاهیم، فرائض، اصول و فروع دین و دیگر مسائل مطرح شده از این دست اشاره دارند، موضوعات دیگری از قرآن مجید هستند که دوباره از طریق متون واسطه به نگارگری انتقال پیدا کرده‌اند. در این گروه از تصاویر، مسائلی از قرآن مجید مثل

آموزه‌ها و تعالیم قرآنی دارد، موجب حضور تعداد زیادی تصویر در این گروه از نگاره‌ها شده است. در این نگاره (تصاویر ۷ و ۸) که به صورت نمادین، شایستگی حضرت موسی (ع) برای بیرون کشیدن قوم بنی اسرائیل از فتنه‌ها به اثبات رسیده است، بخشی از ابیات مرتبط با تصویر به این شرح هستند:

«آنگهش جا به گردن خود کرد

عزم رفتن به سوی مقصد کرد  
چون ندیدش ز رنج قوت تن

بار او را گرفت بر گردن  
نیست در وقت ناخوشی و خوشی

هیچ کاری فزون ز بارکشی  
حق تعالی چو در شبانی او

دید آئین مهربانی او  
گفت با قدسیان کروی

آن که خلقش بود بدین خوبی





تصویر ۸- بخشی از تصویر ۷



تصویر ۷- حضرت موسی(ع) و بره رمیده، سلسله الذهب جامل، ۹۷۷ ه.ق، (محل نگه داری: کتابخانه کاخ گلستان، تهران)

در صف خلق می فتاد شکاف

زد قدم بهر استلام حجر

گشت خالی ز خلق راه و گذر» (جامی، ۱۳۸۶، ۱۴۱)

۷- تجلی معانی خاص معرفتی از قرآن کریم در نگارگری با استفاده از ادبیات عرفانی

منظور از این بخش، ورود آیات قرآن کریم به نگارگری ایران از طریق نافه گشایی ادبیات فارسی است؛ یعنی به صورت غیر مستقیم و در حالی که ابتدا معنا، مفهوم، واژه یا آیاتی از قرآن توسط ادیبی عارف وارد متنی در ادبیات فارسی شده و سپس آن متن توسط هنرمند نگارگر، به ساحت نگارگری ایران انتقال پیدا کرده است. در این نمونه ها، خلاقیت، نبوغ و اعتقادات ادیب و نگارگر نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در شکل گیری یک نگاره فاخر برعهده دارند. به عنوان مثال تعبیر نقاشان چند سده اخیر در قرار دادن پیکره شیری به نشانه حضور حضرت علی(ع) در معراج حضرت رسول(ص)، آن هم جایی جلوتر از براق، تعبیری عارفانه و ولایی از پیشتازی عشق بر هر چیز دیگر، در وصال حضرت حق است. (تصویر ۱۱)

برای ذکر نمونه ای معتبر از نگاره های این گروه، می توان به اثری از عبدالصمد شیرین قلم در سال های قبل از ۱۰۱۴ هجری اشاره کرد. (تصاویر ۱۲ و ۱۳) روال

شهادت، برپایی نماز، و یا صحنه های جهاد بزرگان اسلام در میادین مختلف به تصویر کشیده شده است. نمونه ای برای معرفی این گروه از تصاویر را در نگاره ای مربوط به زیارت کعبه توسط امام زین العابدین شاهد هستیم. (تصاویر ۹ و ۱۰) زیارت مسجد الحرام، در آیات زیادی از قرآن کریم، از جمله آیه ۲۹ از سوره مبارکه حج مورد اشاره قرار گرفته است:

«سپس (بازگو) تا مناسک حج و حلق و تقصیر را به جای آرند، و به هر نذر و عهدی که در حج کردند وفا کنند و طواف کعبه را گرد خانه عتیق (بیت الحرام) به جای آرند.» (حج، آیه ۲۹)

در این نگاره، امام سجاد(ع) به زیارت خانه خدا آمده است. نکته مهم این اثر که باعث قرار گرفتن آن در گروه مورد نظر شده، زیارت کعبه توسط تعدادی از مسلمانان است و اشعار حاشیه نگاره نیز از هفت اورنگ جامی بوده و به توصیف این واقعه با تاکید بر امام سجاد(ع) پرداخته است:

«ناگهان نخبه نبی و ولی

زین عباد بن حسین علی

در کسآء بها و حله نور

بر حریم حرم فکند عبور

هر طرف می گذشت بهر طواف

۱- واقعه سفر معراج حضرت رسول(ص) براساس کتاب های زیادی به تصویر در آمده است، و اشاره قرآنی به آن را مربوط به آیه اول از سوره اسراء دانسته اند. مهم ترین تصویر معراج حضرت رسول(ص) در نگارگری ایران اثر سلطان محمد نقاش، در مکتب تبریز دوره شاه طهماسب صفوی و برگرفته از خمسه نظامی بوده است. اما تصویر شماره ۱۱ از کتاب فالنامه جعفری گرفته شده و نگاره های آن توسط هنرمندان شاخص آن دوره یعنی عبدالعزیز و آقامیرک به تصویر درآمده است. (برای اطلاعات بیش تر درباره این نسخه رجوع کنید به مقاله ای با عنوان «فالنامه شاه طهماسبی»، نوشته مهدی حسینی، نشریه هنرنامه، شماره ۲۲)



تصویر ۱۰- بخشی از تصویر ۹



تصویر ۹- امام سجاد در حال زیارت خانه خدا، سلسله الذهب، احتمالاً تبریز، ۹۵۶ ه.ق، محل نگه داری: گالری کورتنزی ساکلی، انستیتو اسمیت سونیان، واشنگتن



تصویر ۱۲- تسبیح گفتن پرندگان و بیداری مردی از خواب غفلت، گلستان سعدی، هند، پیش از ۱۰۱۴ ه.ق، (محل نگه داری: کتابخانه کاخ گلستان، تهران)



تصویر ۱۱- معراج حضرت رسول (ص)، فالنامه، تبریز یا قزوین، ۹۴۷ تا ۹۵۷ ه.ق، (محل نگه داری: مجموعه ورور، لندن)



تصویر ۱۳- بخشی از تصویر ۱۲

مرد شوریده بیان کرده، جامه دریده و راه صحرا پیموش  
می گیرد:

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ تسبیح گوی و من خاموش

در حکایت زیبای سعدی در گلستان،<sup>۱</sup> که «تسبیح الهی  
و بیداری مردی از خواب غفلت» نام دارد، به نکاتی در باب  
اخلاق و رفتار درویشان اشاره شده است. حکایتی که آیه  
۴۴ از سوره اسراء را به مخاطب انتقال می دهد:

«یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم  
و سحر در کنار پیشه ای خفته، شوریده ای که در آن سفر  
همراه ما بود نعره ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس  
آرام نیافت. چون روز شد، گفتمش آن چه حالت بود؟ گفت  
بلبلان را دیدم که به ناله درآمدند از درخت و کبکان  
از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه. اندیشه کردم که  
مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.

دوش مرغی به صبح می نالید

عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را

مگر آواز من رسید به گوش

گفت باور نداشتم که تو را

بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ تسبیح گوی و من خاموش»

(سعدی، ۱۳۸۵، ۱۰۴)

متن این داستان توسط عبدالصمد شیرین قلم به

نگاره ای زیبا تبدیل شده است. نگاره ای که به دلیل تربیت  
این هنرمند در بین اساتید مکاتب اصیل شیراز، تبریز و  
هرات عصاره ای از فعالیت نگارگران ایرانی به شماره آمده  
و جایگاهی ویژه پیدا می کند. نگاره ای که با بهره گیری  
مناسب از ادبیات اصیل و عمیق عرفانی توانسته مفاهیم  
ویژه ای از قرآن کریم را به مخاطب انتقال داده و الگویی  
مناسب باشد از نگاره هایی که دارای معانی قرآنی را خلق  
کرده اند.

شکل گیری این اثر که شاهدهی بر ظرفیت های فوق العاده  
نگارگری در پذیرش مفاهیم و معانی قرآنی است را باید از  
تاثیر آیات دارای مضمون تسبیح الهی بر سعدی شیرازی  
آغاز کرد. این معنا که با کمی تفاوت در آیات زیادی از قرآن  
کریم تکرار شده است، به تسبیح و ستایش خداوند متعال  
توسط هرآن چه در آسمان ها و زمین است، اشاره دارد.  
یکی از تامل برانگیزترین این مفاهیم مربوط به آیه ۴۴ از  
سوره مبرکه اسراء که اسراء می شود که خداوند در آن  
می فرماید:

«هفت آسمان و زمین و هرچه در آن ها است همه به  
ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست درعالم  
جز آن که ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست ولیکن  
شما تسبیح آن ها را فهم نمی کنید، همانا او بسیار بردبار و  
آمرزنده است.» (اسراء، آیه ۴۴)

داستان این نگاره به شوریده ای اشاره دارد که در  
صبحگاهان با شنیدن تسبیح پرندگان، از خود بی خود شده  
و مطابق با شعر ثبت شده در نگاره، که سعدی از زبان

## نتیجه

ارائه قصص و معانی قرآن کریم در نگارگری ایران، بین سده های ۸ تا ۱۱ هجری قمری به واسطه  
ادبیات فارسی تحقق پیدا کرده است. ادبیات فارسی، از طریق تعداد محدودی از نخبگان وارسته، جوهره  
مفاهیم قرآنی را در درون خود نهادینه کرده و سپس به گوش مخاطبان رسانیده است. همین آثار در  
دوره های اوج نگارگری ایرانی و اسلامی با قرار گرفتن در دست نگارگران معتقد، توانا و خلاق، به نگاره  
هایی عمیق و عرفانی تبدیل شده اند که جست و جو در آن ها به آشکار شدن آیه و یا آیاتی از قرآن  
کریم منجر شده است. براساس مصادیق و نمونه های مورد اشاره، یافته های این مقاله را می توان به  
ترتیب زیر خلاصه کرد:

۱- قرآن کریم به دلیل جایگاه و احترام خاصی که مسلمانان برای آن قائل هستند، هیچ گاه به طور

۱- کتاب گلستان یکی از آثار  
سعدی شیرازی و متعلق به سده  
هفتم هجری به حساب  
می آید. این کتاب که به نظم و  
نثر حکایت هایی را در خود جای  
داده شامل هفت باب به شرح  
زیر است: در سیرت پادشاهان،  
در اخلاق درویشان، در فضیلت  
قناعت، در فواید خاموشی، در  
عشق و جوانی، در ضعف و  
پیری، در تاثیر تربیت و در آداب  
صحبت. حکایت «تسبیح الهی و  
بیداری مردی از خواب غفلت»  
در باب دوم گلستان که نکاتی  
در باب اخلاق درویشان است،  
جای دارد.

مستقیم مورد تصویرسازی نقاشان و نگارگران قرار نگرفته و تصاویر مرتبط با آن به واسطه ادبیات فارسی خلق شده اند.

- ۲- کتاب های مورد استفاده برای ارائه مفاهیم قرآنی در نگارگری در یک جمع بندی کلی شامل: کتاب های تاریخ، قصص انبیاء، فالنامه ها، دانشنامه ها و کتاب های علمی، و در نهایت کتاب های ادبی و عرفانی بوده اند.
- ۳- ساده ترین شکل ارائه مفاهیم قرآنی از طریق قصص انبیاء بوده، که روایت نویسندگان آن ها از یک قصه قرآنی را بیان کرده است. پیچیده ترین و دشوارترین و در عین حال هنرمندانه ترین نمونه های نگارگری مرتبط با قرآن کریم نیز از طریق ادبیات عرفانی خلق شده اند.
- ۴- مطالعه پیرامون نگاره های مرتبط با قرآن کریم، باعث شکل گیری هفت گروه عمده، برای شناسایی بهتر جایگاه مفاهیم و قصص قرآنی در نگارگری ایران گردیده است. گروه بندی ای که صرفاً به دلیل شناخت بهتر از نگاره های مرتبط با قرآن کریم، مورد اشاره قرار گرفته اند.
- ۵- در ورای مطالعه آثار نگارگری مرتبط با قرآن کریم و اطلاعات اندک ما از هنرمندان خالق این آثار، ویژگی های شخصیتی و تربیتی هنرمندان و همچنین خلاقیت های شخصی آن ها را نباید در شکل گیری آثار شاخص مرتبط با قرآن کریم نادیده گرفت.

#### منابع و ماخذ

- قرآن کریم، ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه ای، اسوه، تهران، ۱۳۸۷.
- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، محمد باقر موسوی همدانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- ایزدی، سیروس، نگاشته هایی در باب تاریخ، زبان و فرهنگ ایران زمین، با مقدمه محمد رجیبی، چاپ اول، مؤسسه الهدی، تهران، ۱۳۸۹.
- بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، اکبر دانا سرشت، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- پوپ، آرتور و فیلیپس اکرم، سیری در هنر ایران، ج ۵، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران قبل از اسلام، نامک، تهران، ۱۳۸۲.
- حسینی، مهدی، «فالنامه شاه طهماسبی»، هنرنامه، شماره ۲۳.
- جامی، عبدالرحمن، هفت اورنگ، اهورا، تهران، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد دوازدهم، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۵.
- رجیبی، محمدعلی «جلوه های آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران»، کتاب ماه هنر، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۷۸.
- رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ (تاریخ بنی اسرائیل)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶.
- سعدی شیرازی، کلیات (گلستان)، به تصحیح محمدعلی فروغی، هرمس، تهران، ۱۳۸۵.
- فتاحی ثانی سبزواری، الهام و پوررضائیان مهدی، «چگونگی تصویر سازی در الگوی روایت گری قصه در قرآن کریم»، نگره، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۸.
- شایگان، داریوش، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، باقر پرهام، فرزاد، تهران، ۱۳۷۳.
- فرخزاد، پوران، کارنامه ای به دروغ، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۶.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، براساس چاپ مسکو، هرمس، تهران، ۱۳۸۷.
- گرابر، اولگ، مروری بر نگارگری ایران، مهرداد وحدتی دانشمند، چاپ اول، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۳.
- نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۵.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، خمسه، براساس چاپ مسکو - باکو، چاپ دوم، هرمس، ۱۳۸۷.